

## ابعاد و پیامدهای اقتصادی اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها

دکتر اله مراد سیف

بحث امروز ما یک بحث علمی و در عین حال اجرایی است. تمام قوای کارشناسی دولت برای درگیر شدن با این موضوع بسیج شده است و معتقدند که می تواند منشأ آثار مثبتی در اقتصاد ما باشد. البته در کنار این آثار مثبت (و یا پیش از ظهور این آثار مثبت)، پیامدهایی را نیز می تواند دربر داشته باشد که باید در جای خودش به آن توجه کرد. اگر این پیامدها مورد بی توجهی قرار گیرد ممکن است اصل موضوع را تحت شعاع خود قرار داده و بعد از این همه سال که به تعبیری نوعی «اراده ملی» برای مواجهه با این «مشکل» ایجاد شده است، پیامدها موجب شود که ما از اصل موضوع عقب نشینی کنیم و اگرچنین اتفاقی بیفتد خسارت حاصل از آن جبران ناپذیر است. از جهت دیگری نیز به لحاظ اراده ای که دولت آقای احمدی نژاد دارد و شجاعتی که در برخورد و درگیر شدن با این موضوعات در این دولت است، و معلوم نیست که دولت های بعدی به این میزان اراده و شجاعت لازم را داشته باشد بررسی موضوع اهمیت بیشتری پیدا می کند. البته موضوع بحث بنده بحث های پایه ای و مختصری راجع به پیامدهای اقتصادی است و درمورد پیامدهای اجتماعی و امنیتی دوستان دیگر برای شما صحبت هایی را ارائه خواهند داد. نکته مهمی را قبل از صحبت هایم می خواهم خدمت دوستان عرض کنم این است که به هر حال یک اراده ملی شکل گرفته است که باید این کار انجام شود. یک طرح درمانی هم روی میز است. این طرح درمان ممکن است مثل هر طرح درمان دیگری مسائل و مشکلاتی را در پی داشته باشد. اگر مثلاً صحبت های ما اشاره به نقاط ضعفی می کند این گمان ایجاد شود که این ها با دولت مشکل دارند و چوب لای چرخ دولت می گذارند. از آنجا که جمع شما یک جمع کارشناسی است و در یک نهاد متولی دفاع از انقلاب صحبت می کنیم و ما به تعبیری دیده بانی هستیم که باید برای خوب پاسداری کردن خوب بینیم و برای دیده بانی باید چشم های خوبی داشته باشیم و وقتی دیدیم صادقانه بیان کنیم و آن را تحریف نکنیم. به

همین دلیل در اینجا بیشتر احساس راحتی می کنیم تا برخی مسائل را مطرح نمایم. اگر بقیه عزیزان نیز در میان صحبت هایشان مطالبی را می گویند و به پیامدهایی اشاره می نمایند که ممکن است باعث نگرانی شود مطمئن باشید که از روی خیرخواهی و همان نکته ای که عرض کردم می باشد و با شناختی که من از عزیزان دارم غیر از این واقعا چیز دیگری نیست.

ما در اقتصاد ایران شاهد مسائل ساختاری عجیب و غریبی هستیم. وقتی می گوییم ساختاری یعنی مال امروز و دیروز نیست. ریشه آن به خیلی گذشته ها و شاید به دوران قاجار بازمی گردد. شاید به زمانی بازمی گردد که انگلیسی ها به کشور ما آمدند و اکتشاف نفت را آغاز نمودند و امتیاز نفت ایران با اختیارات عجیبی برای ۶۰ سال به «دارسی» واگذار کردند که در تمام مناطق ایران حق داشت که نفتش را استخراج کند و تمام زمین هایی که در حوزه اکتشاف و حوزه انتقال نفت بود باید در اختیارش قرار می گرفت. این چنین سرمایه ملی ای در اختیار آنها قرار گرفت و ما با پول آن چه کار کردیم؟ در دولت های بعد از آن چه کرده ایم؟ و الان چه می کنیم؟ به اعتقاد خود من که دانش آموخته اقتصاد هستم، ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی ما به بحث «نفت» برمی گردد. الان مجال این بحث نیست. در صحبتی که من خدمت عزیزان در مرکز مطالعات کاربردی داشتم این بحث را مطرح کرده ام. یکی از مشکلات ساختاری نیز درگیر شدن اقتصاد با انرژی ارزان و معتاد شدن اقتصاد به انرژی ارزان اعم از تولید کننده و مصرف کننده است که این موضوع مسائلی را ایجاد کرده است. اگر بخواهیم در آغاز بحث مرور مختصری داشته باشیم؛ جهت گیری کلی کشورها در قبال انرژی رفتن به سمت آزادسازی قیمت بوده است. البته کشورهای هم هستند که در آن ها انرژی قیمت پایینی دارد. در این کشورها مثل کشور ما مشکلاتی وجود دارد و با قاچاق نفت به شدت درگیرند. چند کشور در این زمره هستند: آرژانتین، ایران، عراق، قزاقستان، مالزی، لیبی، نیجریه، ویتنام. در اندونزی تلاش هایی شده است تا این مشکل را حل نمایند. فشارهای اجتماعی ایجاد شد و ناچار شدند که به حالت قبل بازگردند و تعدیل ایجاد نمایند. حالا قیمت هایشان پایین تر از قیمت های جهانی است. در مالزی نیز همچنان یارانه پرداخت می شود البته نه به اندازه اندونزی. بعد از اندونزی، مالزی دومین کشور از این نوع است. غنا موفق شد که این مشکل را حل نماید و به جای آن مخارج اجتماعی را افزایش دهد. الجزایر که خودش نفت خیز است، هزینه پالایش نفت خام را می گیرد و بر روی آن مالیات نیز حساب می کند و آن مبنای قیمت گذاری است. در هندوستان به شکل آزاد است. البته یک میانگین وزنی قیمت بین واردات و صادراتشان مبنای است. سنگاپور

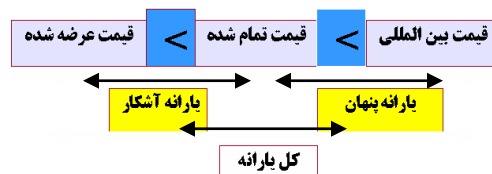
قیمت های جهانی را مبنا قرار می دهد. تایلند قیمت های سنگاپور را مبنا قرار می دهد. فیلیپین نیز به همین صورت. در نیجریه به سمت قیمت های مرجع یا قیمت های جهانی رفتند. در پاکستان از سال ۲۰۰۰ قیمت های فوب (FOB) خلیج فارس را مبنا قرار داده اند. نقطه مقابلش کشورهای مثل ژاپن است که مالیات هم می گیرند. مکزیك قیمت های امریکا را مبنا قرار داده است. به هر حال کشورها متفاوتند و کشورهای مثل ما اندک هستند. بعد عرض خواهم کرد که برخی چیزهایی که در کشور ما وجود دارد مثل تورم دو رقمی که در میان تمام کشورهای دنیا تنها ده، پانزده کشور به این صورت هستند، این قضیه نیز به همین صورت است. قضیه ای نیست که عادی باشد و ده، پانزده کشور هستند که مثل ما هستند و مشکلات ما را دارا هستند. این موضوع مشکلاتی را برای ما ایجاد کرده است. این مشکلات، یعنی همان مسئله، یعنی ما چه مسئله ای داریم که لازم است با یارانه ها درگیر شویم و آن را هدفمند کنیم، و این بحث ها را ایجاد نماییم. هفت موردی که در اینجا ذکر می نمایم مهمترین مسائل ما هستند. شاید نیز به ترتیب اولویت هم باشند. یکی از آنها نرخ رشد بالای رشد مصرف انرژی در کشور است. بعداً مثال های آن را هم عرض می کنم. خود این نرخ رشد هم صعودی بوده است و همین خطر را اعلام کرده است که اگر بخواهید ادامه دهید این نرخ های رشد صعودی مشکلاتی را برایتان ایجاد می کند. ما مجبور شدیم مقداری از منابع ارزی کمیابمان را صرف واردات بنزین و اخیراً گازوئیل نماییم، در سال های اخیر واردات گازوئیل را نیز آغاز کرده ایم که بعد آمار و ارقام این ها را عرض می کنم. یارانه انرژی سهم بسیاری در بودجه عمومی یافته است و مهمتر آنکه این سهم در حال رشد است. شبیه بیماری است که تصور کنید یک غده ای دارد. مثلاً غده در شکم است. این غده نیز دائماً رشد می کند. مثلاً بافت کبد را درگیر می کند. تا جایی که کبد نتواند به درستی کار کند. سهم یارانه انرژی در بودجه عمومی نیز اگر این گونه رشد کند بقیه مخارج اجتماعی را هم می بلعد. این زنگ خطرهایی بوده است که مسئولان و سیاست گزاران را به این نتیجه رسانده است که باید فکری کرد. نکته بعدی این است که درآمد نفتی ما یک درآمد مشخصی است که با عدد و رقم آن را بیان خواهم کرد. ظرفیت تولید نفت ما نه تنها افزایش پیدا نکرده است بلکه اندکی کاهش یافته است. باید مصارفی را که در حال رشد است را نیز در نظر بگیریم. از طرف دیگر به شدت بی عدالتی ایجاد شده است. بهره مندی ها از این منابع کمیاب متوازن نیست و فشار بیشتر روی کسانی بوده است که این امکانات را نداشته اند. قاچاق بی حد و حصر فرآورده های نفتینیز مساله دیگر ما بوده است (البته بعد از کارتی شدن بنزین مشکل قاچاق

بنزین و اخیراً کم تر شده است). تا زمانی که ما با مشکل تفاوت قیمتی زیاد با همسایگان مواجهیم قاچاق نیز وجود دارد. در یک نگاه کارشناسی به نظر می رسد منشأ این مشکلات اگر بخواهیم صادقانه صحبت کنیم یارانه های زیادی است که ما برای حامل های انرژی اختصاص داده ایم؛ یارانه زیاد و غیر هدفمند. تعریف دقیق تری که من خودم دارم یارانه غیر اقتصادی است. اگر به جای غیر هدفمند غیر اقتصادی بگوییم شاید بهتر باشد. یارانه چیست؟ به تعبیر ساده یارانه هر کمک آشکار و پنهان است که دولت به عوامل اقتصادی می کند.

اما بحث یارانه انرژی. یارانه در اقتصاد یک منطقی دارد. منطقی این است که فعالیت های اقتصادی برخی شان آثار جانبی مثبت دارند، بدین معنا که اگر شما سالم باشید باعث می شود که سلامت جامعه تأمین می شود. دولت یارانه پرداخت می کند که شما بتوانید برای مثال دندان پزشکی بروید، به موقع آزمایش های پزشکی بدهید، بیماری های پزشکی تان را معالجه کنید. اگر شما سالم باشید جامعه هم سالم است. آثار جانبی مثبت دارد. به اینگونه فعالیت هایی که آثار جانبی مثبت دارد دولت باید کمک کند و یارانه پرداخت کند تا آن فعالیت ها تشویق شوند. منطق یارانه این است. در فعالیت هایی که آثار جانبی منفی دارند عوارض و مالیات می گیریم. دولت از این گونه فعالیت ها عوارض و مالیات می گیرد. از این فعالیت ها عوارض می گیریم و به دسته دیگر یارانه پرداخت می کنیم. با این منطق اگر نگاه کنید، انرژی خود عامل آلودگی است. در همه جای دنیا شرایط بدین گونه است. به انرژی یارانه نمی دهند بلکه از آن مالیات می گیرند و ما جزء آن کشورهای معدودی هستیم که عرض کردم. اینکه گفتم یارانه غیر اقتصادی است، اینجا معنایش می کنم که یارانه باید به چیزی تعلق بگیرد که آثار مثبت داشته باشد و نه منفی. منطق اقتصادی حکم می کند که ما از انرژی مالیات بگیریم. هزینه ای برای ما دارد، مثلاً از خلیج فارس وارد می کنیم، بنزین را ۶۰۰ تومان، ۶۰۰ تومان را دولت بگیرد و ۱۲۰۰ تومان به مصرف کننده بدهد. در برخی کشورها مانند ترکیه بنزین نزدیک لیتری ۳۰۰۰ تومان است. خود بنزین که لیتری ۳۰۰۰ تومان نیست، نزدیک به ۵۰۰ یا ۶۰۰ تومان است. بنزین را وارد می کند، مالیات می گیرد و به مصرف کننده می دهد. همان نکته ای که گفتم، سوخت را گران می دهند و اتومبیل را ارزان. ما به انرژی یارانه پرداخت می کنیم. اصلاً یارانه انرژی مفهوماً غلط است. یک اشتباه مفهومی است. توزیع این یارانه نیز باید تصحیح شود. الآن ملت صف کشیده اند که ما یارانه انرژی را بین آنها توزیع نماییم. چه داستانی شده است. الان بانک ها باهم مسابقه گذاشته اند که حساب باز نمایند. هر کدام می گوید که من بهتر حساب باز می کنم. ملت هم

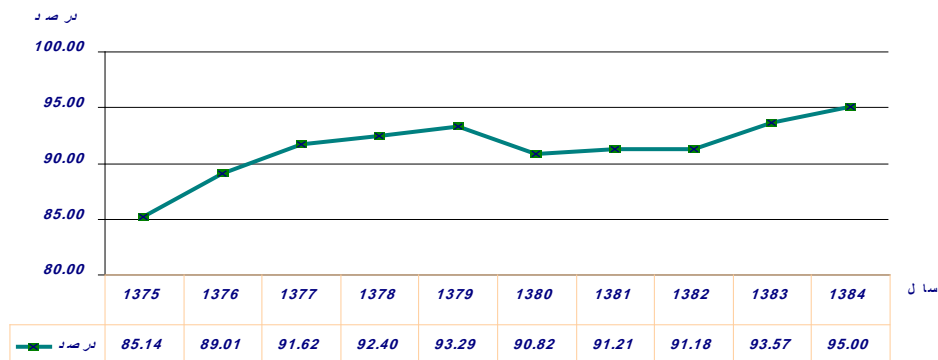
منتظر هستند. این از آن مسائلی است که عرض خواهم کرد که چه مشکلاتی را ایجاد خواهد کرد.

دو نوع یارانه وجود دارد: یک نوع یارانه آشکار که ارقام آن دقیقاً در بودجه عمومی قید می شود. نوع دوم یارانه پنهان. یارانه آشکار مابه التفاوت قیمتی است که شما به عنوان مصرف کننده پرداخت می کنید و قیمت تمام شده محصول است. مثلاً یک مقداری تولید می کنید، مقداری هم وارد می کنید و هزینه تمام شده محاسبه می شود. شما با هزینه کمتر به مصرف کننده می دهید. یعنی شما پول داده اید و پول گرفته اید. تفاوت این دو یارانه آشکاری است که شما پرداخت می کنید. زمانی که صد تومان کالا خرید می کنید سی تومان آن را پرداخت می کنید، هفتاد تومان آن یارانه است که از جیب عمومی پرداخت می شود و در بودجه معمولاً این نوع یارانه می آید. یک نوع یارانه پنهان هم داریم که شما سوختی که مصرف می کنید می توانید آن را صادر کنید و پولش را بگیرید، تفاوت قیمتی که الان برای خودتان تمام شده مثلاً ۱۰۰ تومان که گفتم برای شما تمام شده است؛ اگر همین را صادر نمایید مثلاً می توانید ۵۰۰ تومان بفروشید؛ مثلاً ما برای هر بشکه نفت ۶ دلار خرج می کنیم تا یک بشکه نفت را استخراج نماییم. یک بشکه نفت مثلاً ۶۰ دلار می ارزد. ما ۶ دلار خرج کرده ایم. به این ۵۴ دلار رانت طبیعی می گوئیم یعنی طبیعت به ما داده است. ما برای استخراج نفت زحمتی نمی کشیم. کافی است چاه را در جایی که نفت هست بزنیم، خودش می جوشد و بالا می آید. بشکه ای ۵۰، ۶۰ دلار هم برای ما سود دارد. این را چون ۶ دلار خرج کرده ایم و ۶۰ دلار قیمتش است اگر به همان ۶ دلار به مصرف کننده خود بدهیم آن ۵۴ دلار یارانه پنهان است. اینکه ما صحبت از یارانه می کنیم هر دوی این یارانه ها مد نظر است.



چند جدول وجود دارد که آمارها را ارائه می دهد. روند این یارانه ها مهم بوده است و سال پایانی برنامه چهارم، سال اول برنامه چهارم، سال ۱۳۸۴ است. شاید همین جداول و اطلاعات بود که باعث شد در برنامه چهارم توسعه که قبل از مجلس هفتم نوشته شده بود و در مجلس ششم تصویب شده بود ماده ۳ این قانون برنامه گفته بود که ما باید قیمت ها را یکباره آزاد کنیم. یک

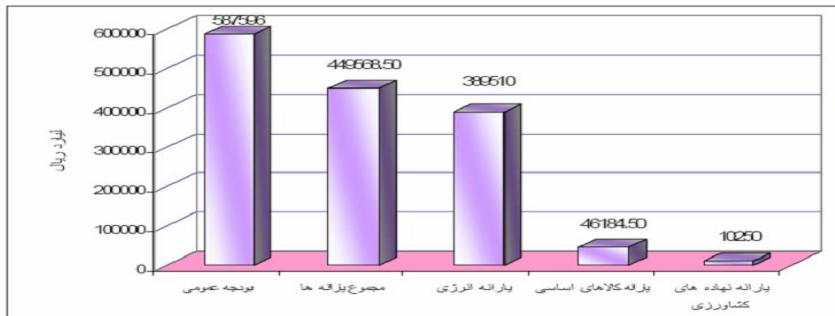
کار کارشناسی انجام شده بود و به این نتیجه رسیده بودند که ما داریم دچار مشکل می شویم. طرح درمانی که در سال ۱۳۸۴ ارائه داده بودند این بود که به یکباره آزاد شود. البته مجلس هفتم این ماده را به کلی حذف کرد. یکی از ایرادات مجلس هفتم به نظر من همین کارشان بود. البته این بحث ها درست بود که اگر به یکباره آزاد شود شوک تورم ایجاد می کند ولی شاید باید اصلاح می شد نه حذف. ما قیمت ها را تثبیت کردیم، حتی قبل از ماده ۳ قیمت ها سالی بیست درصد افزایش پیدا می کرد، که جلوی آن را هم گرفتیم و گفتیم که قیمت سوخت تثبیت شود. این کار خوبی نبود. کاری که در آن سال کردیم بار امسال را سنگین تر کرده است. اگر در حد همان ۲۰ درصد افزایش می یافت، مثلاً بنزین ۱۵۰ تومان می شد، عرضم این است که این اطلاعات باعث شد که تصمیم کارشناسی گرفته شود که شما در اینجا ملاحظه می کنید که یارانه ای که گفتیم (یارانه آشکار و پنهان) سهم یارانه انرژی را از کل یارانه ها نگاه کنید که ۹۵ درصد شده است. یعنی شما مشکلات زیادی دارید که باید به آن توجه کنید. چرا ۹۵ درصد منابع خود را به انرژی می دهید



مقایسه ای بین یارانه و سایر یارانه ای که می دهیم انجام شده است. مثلاً ما به کالاهای اساسی یارانه می دهیم، به نهادهای کشاورزی یارانه می دهیم. ظاهر کار را هم ببینید می فهمید که این خود مصداق بی عدالتی است که ما به انرژی حدود ۸۶٫۶ درصد یعنی ۴۵ میلیارد دلار اگر رقم را به هزار میلیارد تومن تبدیل نماییم که هر هزار میلیارد تومان را یک میلیارد دلار بگیریم، ستون دوم را که مجموع یارانه ها است نگاه کنید، ۴۵ هزار میلیارد تومن برابر ۴۵ میلیارد دلار؛

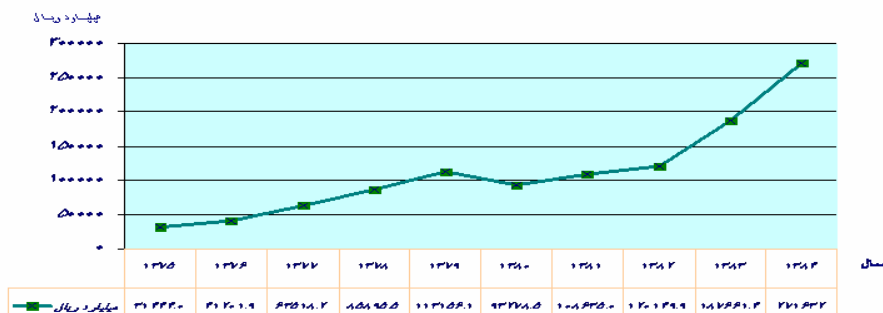
۳۹ میلیارد دلار آن مربوط به انرژی است. ۴,۶ کالای اساسی و ۱ میلیارد دلار نهادهای کشاورزی. البته باز تأکید می‌کنم که این یارانه آشکار و پنهان است.

نمودار (2): مقایسه بودجه عمومی کشور با مجموع یارانه‌ها، یارانه انرژی، کالاهای اساسی و نهادهای کشاورزی در سال 1385

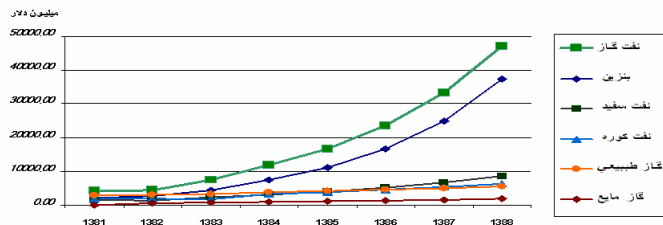


منبع: دفتر بخشی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

یک نکته هم همین جا عرض کنم که یک مقداری خود یارانه را زیاد حساب کرده‌اند. مثلاً این مجموعه یارانه انرژی که ما می‌گوییم ۳۹ میلیارد دلار به دلایلی که عرض خواهم کرد این را زیاد حساب کرده‌اند، البته این موضوع صورت مسئله را پاک نمی‌کند و اصل مسئله واقعا وجود دارد. ۳۹ میلیارد دلار نباشد مثلاً ۳۰ میلیارد است، به هر حال سهم آن بسیار متفاوت است. در نمودار زیر می‌بینید که رقم حامل‌های انرژی را اگر نگاه کنید در ابتدای دوره چیزی در حدود ۲۳ هزار میلیارد تومان است در آخر دوره ای که می‌بینید سال ۱۳۸۸ به ۲۷ هزار میلیارد تومان می‌رسد. در سه سال آخر یارانه به اندازه ۷ سال قبلی است. باز هم تأکید می‌کنم که می‌خواهیم روند را بررسی کنیم. در اقتصاد ما بیشتر به روند توجه می‌کنیم. اینکه چگونه هست یک بحث است و اینکه به چه سمتی می‌رود یک بحث مهم تر است.



یک پیش بینی در سال ۸۸ انجام شده بود که اگر ما ادامه بدهیم در سال ۸۸ باید ۱۰۶ میلیارد دلار یارانه پرداخت نماییم و بیشترین یارانه را اگر نگاه کنید به نفت گاز یعنی گازوئیل می دهیم و بعد آن بنزین است. جالب این است که در این بحث ها مشکل اصلی گازوئیل است و بنزین نیست. یارانه نفتی را به گازوئیل می دهیم و بنزین در مرتبه دوم است. بیشتر مردم فکر می کنند که مشکلمان بنزین است در حالی که مشکل اصلی ما گازوئیل است. جمع این یارانه ها در سال ۸۸ به ۱۰۶ میلیارد دلار می رسد. بنزین و گازوئیل بیشترین سهم را از یارانه های انرژی دارند و گازوئیل در مرتبه اول است. اگر به روند آن نیز توجه کنید صعودی است. این باعث مشکلاتی شده است. یکی از مشکلات آن همان بحث نرخ رشد مصرف که عرض کردم.

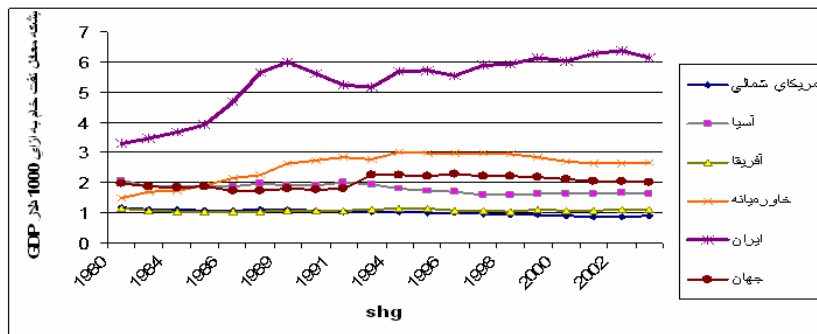


اگر آمارها را نگاه کنید نشان می دهد که نرخ رشدمان صعودی است. نرخ رشد ۷ درصد که بعد ۸ درصد و بعد ۱۱ درصد در سال ۸۴

نرخ رشد (درصد)	میانگین مصرف بنزین (میلیون لیتر در روز)	دوره
-۱,۸۱	۱۳,۶۰	۱۳۵۶-۱۳۵۸
۷,۱۵	۱۷,۰۲	۱۳۵۹-۱۳۶۷
۸,۳۱	۲۵,۹۷	۱۳۶۸-۱۳۷۳
۳,۳۲	۳۹,۲۳	۱۳۷۴-۱۳۷۸
۷,۸۲	۶۰,۷۰	۱۳۷۹-۱۳۸۳
۱۱,۰۴	۶۷,۴۰	۱۳۸۴



اصطلاحی داریم به نام شدت انرژی. شدت انرژی به این معناست که ما برای یک مقدار مشخص محصول تولید ملی چقدر انرژی مصرف می کنیم. برخی این را به دلار محاسبه می کنند و برخی با معیارهای دیگری اندازه گیری می کنند. من در اینجا بشکه نفت خامی که در مقابل هر هزار دلار تولید ملی مصرف می کنیم GDP (تولید ناخالص داخلی) را مبنا قرار داده ام. نمودار بالایی مربوط به ایران است. مثلاً اگر تصور کنید این نمودار مربوط به جهان است ما سه برابر میانگین جهانی شدت انرژی داریم، انرژی بیشتری برای مقدار مشخصی از محصول و این به معنای اتلاف منابع است. بقیه کشورها را هم می بینید. ما فاصله زیادی با سایر کشورها داریم. یعنی خیلی راحت انرژی را مصرف می کنیم و هدر می دهیم.



دو نکته جالب را را توجه کنید که به عمق مسئله پی ببرید. ما ۹۰ هزار کامیون داریم که عمرشان بالای ۲۵ سال است. این کامیون ها به جای آنکه در ۱۰۰ کیلومتر حدود ۳۰ لیتر گازوئیل مصرف نماید، ۷۵ لیتر در ۱۰۰ کیلومتر مصرف می نمایند. گازوئیلی که حالا از خارج هم وارد می شود. چرا ما این مشکل را داریم؟ زمانی که گازوئیل ارزان است، لیتری شانزده تومان و پنج ریال، ۲۵ سال که هیچ، چهل سال هم یک کامیون را نگه می دارند و اسقاط نمی کنند. چون تنها مشکلی این است که سوخت مصرف می کند و سوخت هم که ارزشی ندارد. غیر از اینکه کامیون که فرسوده شد هزاران حوادث جاده ای نیز ایجاد می کند. نکته دوم این که در مرغداری ها ما برای هر قطعه جوجه ۱،۹۹ یعنی حدود ۲ لیتر گازوئیل مصرف می کنیم. در مرغداری ها باید جای مرغ ها گرم باشد. حتما دیده اید که وقتی مرغداری می سازند سقف آن چیزی کمتر از سقف اتاق است. یک سقف اینگونه می سازیم و می خواهیم همه آن را گرم

کنیم. اگر یک مرغ بخواهد برای خودش لانه بسازد چه می کند؟، در قدیم که در منازل برای مرغ ها خانه می ساختند یک لانه اندازه خودش می ساختند که وارد آن می شد اما حالا سقف بلندی را ما با گازوئیل تقریباً<sup>۱</sup> مجانی گرم می کنیم. یعنی برای هر قطعه جوجه اگر پول آن گازوئیل را حساب کنیم به اندازه پول مرغ فقط گازوئیل از بودجه عمومی هزینه کرده ایم. باز هم تأکید می کنیم که به نظر ما مشکل اصلی به قیمت این فرآورده ها برمی گردد. مثلاً ما بنزین سوپر الان ۱۵۰ تومان است. بنزین بدون سرب ۱۰۰ تومان است. ستون آخر جدول زیر را نگاه کنید.

جدول ۸-۱۱. قیمت داخلی فرآورده های نفتی

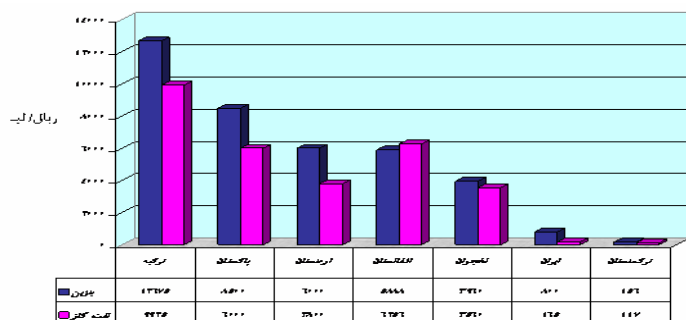
واحد: ریال هر لیتر

فرآورده	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
گازمایع	۱۹/۹۵	۲۲/۲۱	۲۳/۸۳	۲۳/۸۳	۲۳/۸۳	۲۸/۶۵
بنزین سوپر	۷۸۰	۵۰۰	۵۵۰	۶۰۵	۶۶۵	۹۰۰
بنزین بدون سرب	۲۰۰	۳۵۰	۳۸۵	۴۵۰	۵۰۰	۶۵۰
بنزین معمولی	۲۰۰	۳۵۰	۳۸۵	۴۵۰	۵۰۰	۶۵۰
نفت سفید	۶۰	۱۰۰	۱۱۰	۱۲۰	۱۳۰	۱۶۰
نفت گاز نیروگاه	۶۰	۴۰	۴۰	۴۴	۴۸/۸	۵۳/۸
نفت گاز سایر بخش ها	۶۰	۱۰۰	۱۱۰	۱۲۰	۱۳۰	۱۶۰
نفت کوره نیروگاه	۳۰	۱۹	۲۱	۲۳	۲۵/۳	۲۷/۸۳
نفت کوره سایر بخش ها	۳۰	۵۰	۵۵	۶۴/۲	۷۰	۸۰/۲
	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	
گازمایع	۳۱/۷۰	۳۱/۷۰	۳۱/۷۰	۳۰/۷۸	۳۰/۸۹	
بنزین سوپر	۱۱۰۰	۸۰۰	۸۰۰	۸۰۰	۱۰۰۰	۱۵۰۰
بنزین بدون سرب	۸۰۰	۸۰۰	۸۰۰	۸۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
بنزین معمولی	۸۰۰	۸۰۰	۸۰۰	۸۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
نفت سفید	۱۶۵	۱۶۵	۱۶۵	۱۶۵	۱۶۵	۱۶۵
نفت گاز نیروگاه	۵۹/۱۸	۵۹/۱۸	۵۹/۱۸	۵۹/۱۸	۵۹/۱۸	۵۸/۵۶۴
نفت گاز سایر بخش ها	۱۶۵	۱۶۵	۱۶۵	۱۶۵	۱۶۵	۱۶۵
نفت کوره نیروگاه	۳۰/۶۱	۳۰/۶۱	۳۰/۶۱	۳۰/۶۱	۳۰/۶۱	۳۰/۶۱۳
نفت کوره سایر بخش ها	۹۴/۵	۹۴/۵	۹۴/۵	۹۴/۵	۹۴/۵	۹۴/۶

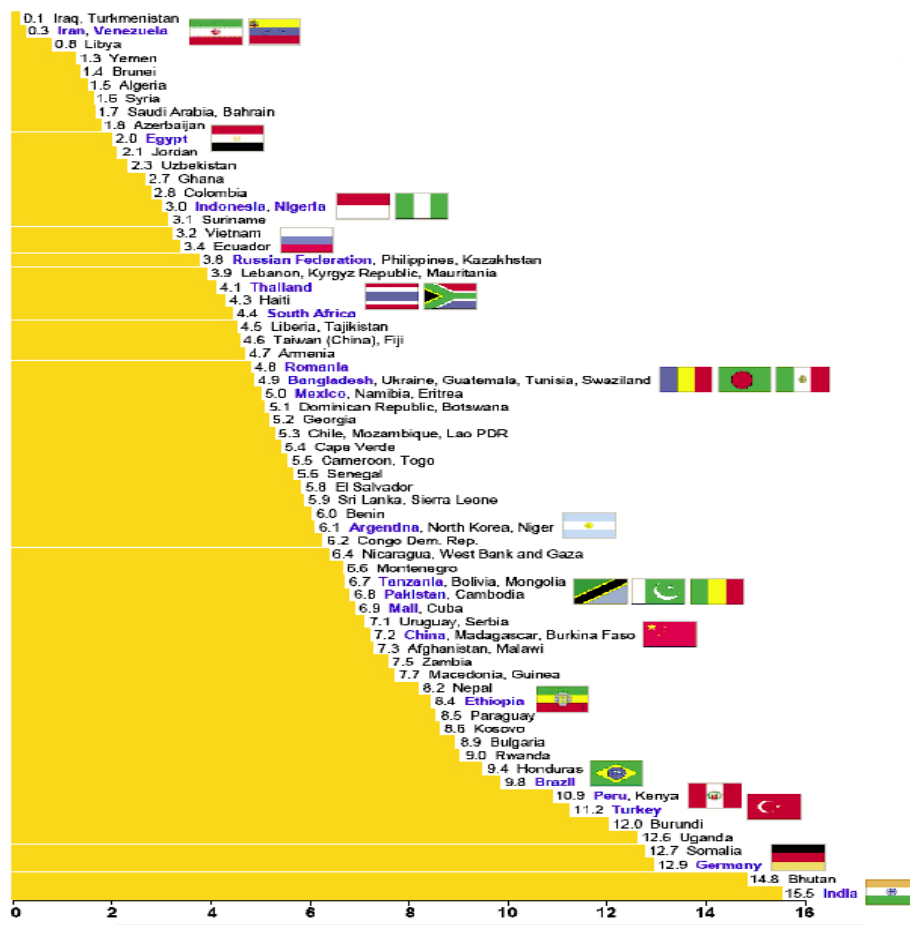
ماخذ: شرکت پالایش و پخش فرآورده های نفتی

در سال ۱۳۸۷ قیمت بنزین سوپر آزاد ۵۴۰۰ ریال هر لیتر و قیمت بنزین معمولی و بدون سرب آزاد ۴۰۰۰ ریال هر لیتر بوده است.

قیمت گازوئیل را ببینید. جالب این است که قیمت نفت گاز نیروگاه ۵۸ ریال است. این نفت گاز نیروگاه است؛ این نفت گازی است که دیگران صادر می کنند. اگر مقایسه ای در قیمت های بنزین و گازوئیل داشته باشیم



اولی بنزین است و دومی گازوئیل. آخرین کشور ترکمنستان است که مشکل بیشتری از ما دارد. کشور بعد ما هستیم، ایران. می خواهیم قیمت های بنزین و گازوئیل را با کشور خودمان مقایسه کنیم. آخرین کشور ترکمنستان بود. این یک نمودار دیگر است. می دانید که پول در کشور ما با پول در کشورهای دیگر تفاوت دارد. واقعا هم همین طور است. نگاه کنید که در آن کشورها قیمت نفت چقدر است؟ قیمت گازوئیل چقدر است؟ قیمت گازوئیل را بر حسب قیمت تخم مرغ محاسبه می نمایند. اگر نگاه کنید در اینجا عراق و ترکمنستان هستند و بعد بلافاصله ایران است. در سال ۲۰۰۴، قیمت گازوئیل ۰٫۳ یک تخم مرغ است. همین حالا هم تخم مرغ قیمت ۱۵۰ تومان، ۱۲۰ تومان، قیمت گازوئیل ۱۶۸ ریال است. یعنی با یک تخم مرغ در کشور ما می توان ۴ لیتر یا حدود ۵ لیتر گازوئیل خرید. آن زمان با هر تخم مرغی ۳ لیتر گازوئیل می شد خرید. یعنی هر لیتر گازوئیل ۰٫۳ تخم مرغ است.



در آخر که هندوستان را می بینید قیمت گازوئیل ۱۶ تخم مرغ است. آن ها منابع ندارند، از کسی که گازوئیل مصرف کند دولت یک مالیات هم می گیرد. اگر قیمت های منطقه ای را در زیر نگاه کنید، نکاتی دارد.

جدول ۹-۱۱. قیمت های منطقه ای فرآورده های نفتی و نفت خام طی سال های ۸۷-۱۳۷۷

۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	واحد	
۲۶.۷	۲۵.۵	۲۱.۳	۲۵.۸	۲۰.۱	۱۰.۵	دلار هر بشکه	نفت خام سبک ایران
۲۰.۶	۱۸.۲	۱۶.۳	۲۲.۶	۱۶.۴	۱۰.۳	سنت هر لیتر	بنزین موتور
۱۹.۳	۱۸.۳	۱۵.۷	۱۹.۹	۱۵.۱	۹.۲	سنت هر لیتر	نفت سفید
۱۸.۷	۱۷.۹	۱۵.۰	۱۸.۶	۱۳.۴	۸.۴	سنت هر لیتر	نفت گاز
۱۴.۱	۱۴.۲	۱۱.۵	۱۳.۴	۱۰.۸	۶.۰	سنت هر لیتر	نفت کوره
۲۶۲.۴	۲۷۶.۷	۲۳۰.۸	۳۰۶.۸	۲۲۲.۲	۱۳۹.۴	دلار هر تن	گاز مایع
۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	واحد		
۸۳.۷۲	۷۸.۱۰	۶۲.۰۹	۵۳.۰	۳۳.۸	دلار هر بشکه	نفت خام سبک ایران	
۵۶.۰۱	۵۰.۳۰	۴۲.۰	۳۹.۱	۲۹.۰	سنت هر لیتر	بنزین موتور	
۶۶.۷۷	۵۸.۴۰	۴۸.۲	۴۳.۷	۳۰.۲	سنت هر لیتر	نفت سفید	
۶۵.۱۸	۵۷.۴۰	۴۶.۱	۴۰.۸	۲۸.۷	سنت هر لیتر	نفت گاز	
۴۰.۹۶	۳۸.۳۰	۲۸.۵	۲۴.۹	۱۵.۷	سنت هر لیتر	نفت کوره	
۶۹۷.۲۲	۶۷۱.۶۱	۵۲۰.۶۳	۴۶۲.۸	۳۲۲.۹	دلار هر تن	گاز مایع	

شما ملاحظه می کنید بنزین ۵۶ سنت هر لیتر، حدوداً ۵۶۰ تومان هر لیتر قیمتش است. یعنی بنزین ۵۶۰ تومان بوده است. نفت گاز را که نگاه کنید یعنی گازوئیل ۶۵۰ تومان است. یعنی گازوئیل از بنزین گران تر است. در کشور ما بنزین از گازوئیل با فاصله خیلی زیادی گران تر است. این تفاوت آشکار ما با قیمت های منطقه ای است. جدول زیر محاسبه کرده است که در کشور ما درآمد فروش داخلی فرآورده ها نسبت به قیمت واقعی چقدر است.

جدول ۱۱-۱۲. فروش داخلی، ارزش منطقه‌ای و یارانه اختصاصی به فرآورده‌های نفتی

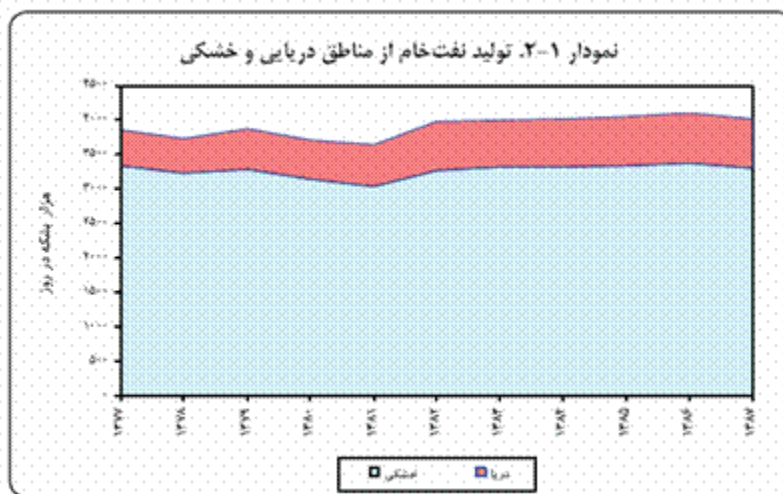
واحد: میلیون ریال در سال

۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	
											درآمد فروش داخلی
۱۲۷۱۹۸	۱۱۵۷۸۴	۱۲۴۲۵۶	۱۲۰۰۰۵	۱۳۳۴۲۵	۱۲۳۱۸۶	۱۱۳۰۵۳	۹۹۲۵۳	۹۹۰۲۵	۸۳۰۶۱	۶۹۸۱۷	گازمایع
۲۴۴۹۶۴۳۲	۲۳۵۲۴۵۶۲	۲۱۴۹۳۵۷۷	.	.	.	۱۸۴۳۴۸۸	۶۵۳۱۰۲۴	۵۷۸۸۶۹۴	۴۸۷۱۷۳۴	۲۶۶۷۱۶۳	بنزین موتور معمولی
.	.	.	.	.	.	۲۱۱۲	۲۶۶۴	۲۹۲۹	۱۴۶۸	۲۴۲۳	بنزین سوپر
.	.	.	۱۹۵۷۴۲۶۹	۱۷۷۶۱۵۰۳	۱۳۳۲۸۸۶۳	۷۳۶۶۲۱۶	۹۹۲۴۳۶	۲۰۲۷۵۵	۱۲۷۷۹۸	۸۳۳۰۲	بنزین بدون سرب
۱۱۴۳۸۲۸	۱۲۳۲۲۰۹	۱۱۸۶۸۴۳	۱۲۳۵۲۹۳	۱۲۹۳۴۱۷	۱۲۶۲۶۷۳	۱۱۲۸۶۴۴	۱۸۹۳۳۵۵	۱۵۹۳۴۹۹	۱۳۱۹۳۰۷	۸۱۸۳۴۱	نفت سفید
۲۶۹۶۶۸	۲۵۰۱۵۸	۲۷۶۰۰۶	۱۷۱۲۳۴	۱۳۳۸۵۹	۷۹۲۵۴	۷۶۲۹۷	۷۷۶۶۲	۵۳۶۸۰	۴۱۳۷۹	۵۵۸۸۶	نفت گاز نیروگاه
۴۸۶۲۷۷۹	۴۶۵۸۰۰۲	۴۴۱۷۶۲۶	۴۳۰۴۰۱۴	۴۱۵۲۹۱۲	۳۹۶۹۶۵۷	۳۱۵۵۱۵۶	۲۸۱۳۹۸۶	۲۵۳۶۳۹۲	۲۱۹۵۳۶۳	۱۳۴۱۲۵۴	نفت گاز - سایر
۲۵۸۹۵۷	۲۳۱۱۶۳	۲۳۲۰۶۰	۱۹۷۲۱۹	۱۷۷۰۲۴	۱۳۸۹۳۰	۱۵۰۸۱۷	۱۵۶۰۲۹	۱۳۰۸۱۲	۹۲۷۴۷	۱۳۷۸۹۰	نفت کوره نیروگاه
۹۲۱۲۲۷	۸۴۲۵۹۷	۷۶۲۹۵۹	۷۹۳۷۶۵	۷۵۶۳۹۰	۶۹۶۹۷۲	۵۹۷۵۴۷	۵۴۳۱۸۱	۴۵۴۱۴۷	۴۱۵۵۸۲	۲۷۱۲۸۰	نفت کوره - سایر
۳۲۰۸۰۰۹۱	۳۰۸۵۴۴۷۶	۲۸۴۹۳۳۲۷	۲۶۳۹۵۸۰۰	۲۴۴۰۸۵۳۰	۱۹۵۹۹۵۳۶	۱۴۴۳۳۳۳۰	۱۳۰۴۵۵۸۹	۱۰۸۶۱۹۳۳	۹۱۴۸۴۳۷	۵۴۴۷۳۵۶	جمع
											ارزش منطقه‌ای
۱۴۰۳۸۶۸۹	۱۲۸۲۳۷۶۱	۱۰۱۳۹۵۳۶	۸۵۱۵۲۹۹	۶۶۰۵۴۷۸	۵۰۸۷۴۰۵	۵۱۸۸۲۹۱	۴۱۵۳۷۸۵	۵۵۰۸۴۷۲	۳۵۹۰۸۷۲	۲۱۰۷۷۵۱	گازمایع
۱۱۵۸۲۴۰۳۰	۱۱۱۲۲۸۸۳۴	۱۰۳۸۱۳۹۷۶	۸۶۱۵۹۰۸۰	۵۷۸۷۱۴۱۸	۳۵۳۰۹۱۸۳	۲۶۷۸۸۲۷۸	۲۱۸۴۳۸۴۸	۲۸۲۰۵۲۵۱	۱۸۷۴۰۶۶۷	۱۱۳۱۳۴۴۷	بنزین موتور
۳۸۰۵۵۵۱۶	۴۰۹۹۵۹۷۰	۳۱۸۹۶۵۹۵	۲۹۴۷۷۵۳۴	۲۱۲۸۴۷۷۶	۱۲۷۱۵۱۲۲	۱۲۶۷۶۴۱۰	۱۱۲۲۵۹۱۹	۱۴۹۸۸۸۰۶	۱۱۴۳۷۴۲۹	۷۲۹۸۸۳۶	نفت سفید
۱۸۳۸۶۰۸۳۳	۱۷۵۱۲۷۱۲۰	۱۳۳۳۳۲۰۰۸	۱۰۶۲۹۰۴۰۵	۷۰۹۵۳۹۹۵	۴۱۱۳۱۰۰۴	۳۶۹۹۱۵۴۴	۳۰۳۴۶۱۶۷	۳۶۳۸۷۸۹۳	۲۴۷۰۵۷۶۰	۱۵۶۱۷۴۶۳	نفت گاز
۶۵۵۱۳۵۳۸	۵۹۲۸۶۳۴۰	۴۱۰۴۶۹۵۶	۳۳۳۲۰۲۸۱	۱۹۵۱۸۱۶۵	۱۶۱۲۳۵۰۰	۱۶۴۷۷۹۰۲	۱۳۹۷۴۷۴۶	۱۵۵۵۴۰۰۳	۱۱۴۴۳۹۳۰	۶۵۲۶۱۲۹	نفت کوره
۴۱۷۲۹۲۶۰۵	۳۹۹۴۶۲۰۲۶	۳۲۰۲۲۹۰۷۱	۲۶۳۷۶۲۵۹۹	۱۷۶۲۳۳۸۳۱	۱۱۰۳۶۶۲۱۴	۹۸۱۲۴۴۲۵	۸۱۵۴۴۴۶۵	۱۰۰۶۴۴۴۲۵	۶۹۹۱۸۶۵۸	۴۲۸۶۳۶۲۶	جمع
											یارانه پرداختی دولت
۱۳۹۱۱۴۹۱	۱۲۷۰۷۹۷۷	۱۰۰۱۵۲۷۹	۸۳۹۵۲۹۴	۶۴۷۲۰۵۳	۴۹۶۴۲۱۹	۵۰۷۵۲۳۸	۴۰۵۴۵۳۳	۵۴۰۹۴۴۸	۳۵۰۷۸۱۱	۲۰۳۷۹۳۴	گازمایع
۹۱۳۲۷۵۹۸	۸۷۷۰۴۲۷۲	۸۲۳۲۰۳۹۹	۸۶۱۵۹۰۸۰	۵۷۸۷۱۴۱۸	۳۵۳۰۹۱۸۳	۲۴۹۴۴۷۹۰	۱۵۳۱۲۸۲۴	۲۲۴۱۶۵۵۷	۱۳۸۶۸۹۳۳	۸۶۴۶۲۸۴	بنزین موتور
۳۶۹۱۱۶۸۷	۳۹۷۶۳۷۶۱	۳۰۷۰۹۷۵۲	۲۸۲۴۲۲۴۱	۱۹۹۹۱۳۵۹	۱۱۴۵۲۴۴۸	۱۱۵۴۷۷۶۶	۹۳۹۶۵۶۴	۱۳۳۹۵۳۰۷	۱۰۱۱۸۱۲۲	۶۴۸۰۴۹۵	نفت سفید
۱۷۸۷۲۸۸۵۸	۱۷۰۲۱۸۹۶۰	۱۲۸۶۳۸۷۶۶	۱۰۱۸۱۵۱۵۶	۶۶۶۶۷۲۲۴	۳۷۰۸۲۰۹۳	۳۳۷۶۰۰۹۱	۲۷۴۵۴۵۱۹	۳۳۷۹۷۸۲۱	۲۲۴۶۹۰۱۹	۱۴۲۲۰۳۲۳	نفت گاز
۶۴۳۳۳۳۴	۵۸۲۱۲۵۸۰	۴۰۰۵۱۹۳۸	۳۳۲۲۹۲۹۷	۱۵۵۸۴۷۵۱	۱۵۲۸۷۵۹۸	۱۵۷۲۹۵۳۷	۱۳۲۷۵۵۳۶	۱۴۹۶۹۰۴۳	۱۰۹۳۵۶۰۱	۶۱۱۶۹۵۹	نفت کوره
۳۸۵۲۱۲۵۱۵	۳۶۸۶۰۷۵۵۰	۲۹۱۷۳۵۷۴۴	۲۵۶۹۴۱۰۶۹	۱۶۹۵۸۶۸۰۵	۱۰۴۰۹۵۵۴۱	۹۱۰۵۷۴۲۲	۶۹۴۹۳۹۷۶	۸۹۹۸۸۱۷۶	۶۰۸۹۹۴۸۶	۳۷۵۰۱۹۹۵	جمع

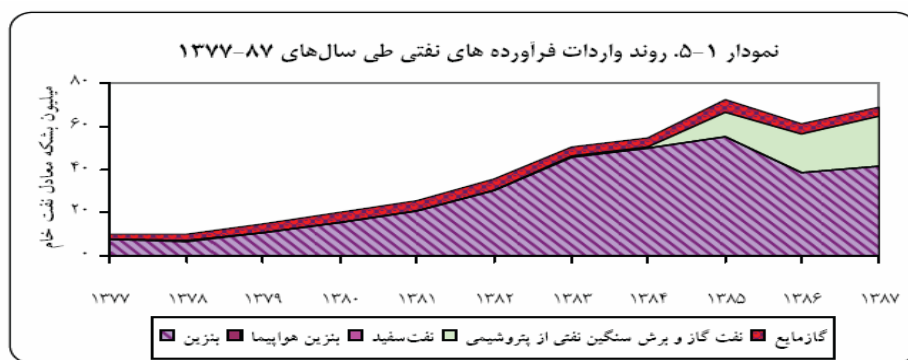
ردیف های اول جدول درآمد فروش فرآورده ها در داخل است. ردیف های وسط ارزش منطقه ای فرآورده هایی است که در داخل مصرف می کنیم. تفاوتش در ردیف های آخر یارانه ای است که می پردازیم. یعنی ارزش منطقه ای که حساب کردیم، قیمت فروش داخلی اش را هم حساب کرده ایم. تفاوتش یارانه ما است. یعنی یارانه آشکار و پنهان. توجه کنید این یارانه ای که در بودجه ذکر می شود نیست بلکه یارانه آشکار و پنهان با هم است. اینکه ارزش منطقه ای اش چقدر است. نکته جالبی که می توان نتیجه گیری کرد این است که در سال ۷۷ (اگر ریال را به دلار تبدیل نمایم) مقدار یارانه ۳,۷ میلیارد دلار حامل های انرژی بوده است، که در سال ۸۸ یعنی ۱۱ سال بعد از آن این رقم بیش از ۱۰ برابر شده است. یعنی ۳۸,۵ میلیارد دلار ارزش یارانه ای است که ما برای انرژی صرف می نمایم. اگر به این موارد نگاه کنیم بیشترین سهم مربوط به گازوئیل است یعنی ۱۸,۹ میلیارد دلارش مربوط به گازوئیل است بنزین ۹ میلیارد دلار. یعنی حدود ۲ برابر یارانه بنزین یارانه گازوئیل است. توزیع یارانه ها را نیز در میان دهک های درآمدی در نمودار زیر ملاحظه می کنیم. سهم دهک آخر یعنی ثروتمندترین ها نسبت به دهک اول یعنی فقیرترین ها در مورد بنزین بیش از ۳۹ برابر و در مورد گازوئیل بیش از ۴۰ برابر است. این رقم ها با عدالت اصلا سازگار نیست.

دهک	حامل ها											
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	جمع	
بنزین	شهری	۰/۵	۱/۴	۲/۰	۲/۷	۳/۷	۵/۳	۶/۴	۹/۳	۱۱/۹	۲۳/۶	۶۶/۸
	روستایی	۰/۴	۱/۰	۱/۱	۱/۶	۱/۸	۲/۴	۳/۴	۳/۸	۶/۱	۱۱/۷	۳۳/۳
	جمع	۰/۹	۲/۴	۳/۱	۴/۳	۵/۵	۷/۷	۹/۸	۱۳/۱	۱۸/۰	۳۵/۳	۱۰۰/۱
گازوئیل	شهری	۰/۶	۰/۹	۰/۷	۲/۰	۰/۶	۲/۱	۲/۵	۸/۳	۸/۳	۶/۴	۳۲/۴
	روستایی	۰/۳	۰/۴	۱/۶	۱/۶	۲/۷	۴/۳	۴/۷	۷/۴	۱۴/۴	۳۰/۱	۶۷/۵
	جمع	۰/۹	۱/۳	۲/۳	۳/۶	۳/۳	۶/۴	۷/۲	۱۵/۷	۲۲/۷	۳۶/۵	۹۹/۹

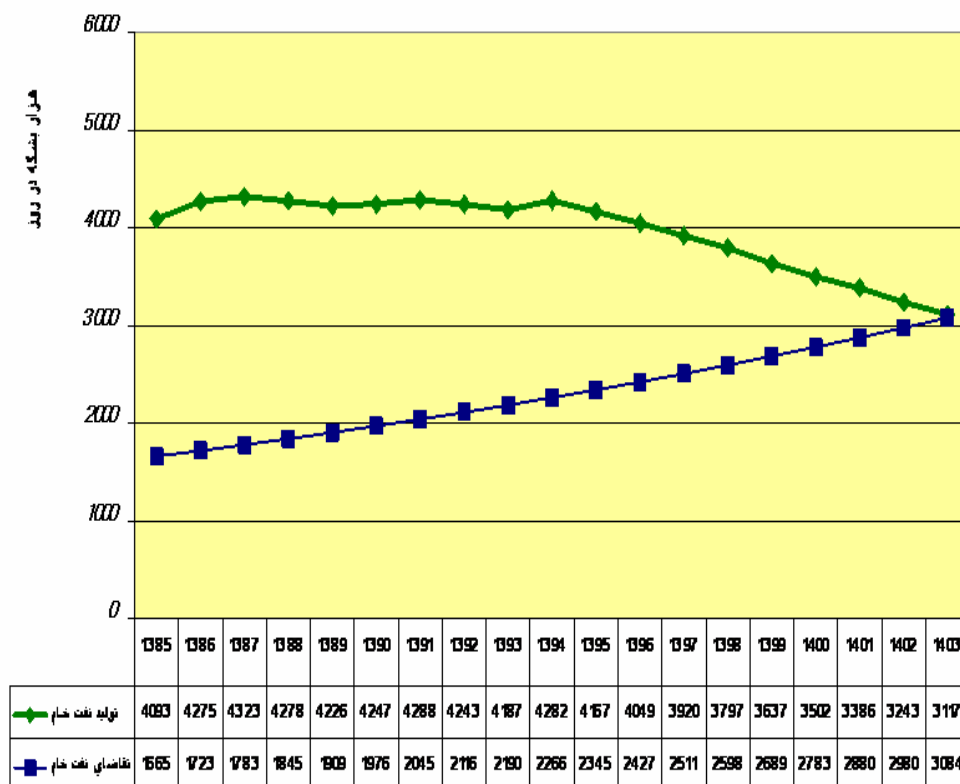
خطر تداوم وضعیت فعلی را از دیدگاه کلان باید نگاه کنیم.؛ نمودار زیر تولید نفت یعنی منشأ درآمدی دولت را نشان می دهد.



ظرفیت تولید ما ۴ میلیون بشکه در روز است که اگر در سال حساب نمایید کمتر از ۱,۵ میلیارد بشکه می شود. که ما الان از این ۱,۵ میلیارد بشکه حدود ۰,۶ آن را مصرف کرده و کمتر از یک میلیارد بشکه را صادر می نمایم. این مقدار در سال های دور ثابت بوده است و در سال های اخیر حتی روند نزولی نیز داشته است. یعنی این منبع اصلی ثابت و بلکه نزولی است. درمقابل روند واردات فرا ورده های نفتی را اگر (در نمودار زیر) نگاه کنید متأسفانه بیشترین مقدار مربوط به بنزین است و بعد از آن گازوئیل. این یک روند صعودی است و خیلی حرف ها می زند.



از نظر اقتصادی اگر بخواهیم بررسی کنیم ادامه روند فعلی اگر کاری نکنیم به بن بست اقتصادی ختم می شود.



این که گفته می شود حل مشکل یارانه ها از مسائل اساسی اقتصاد است و باید هر دولتی که با این مسئله درگیر می شود به او کمک شود و آن را تشویق نمایند این جا است. پیش بینی ها نشان می دهد که ما به سمت بن بست اقتصادی می رویم. یعنی اگر سال ۸۵ را مبنا قرار دهیم، که ما ۴ میلیون بشکه نفت تولید می کنیم و ۱ میلیون و اندی از آن را مصرف می کنیم. این مصرف در حال زیاد شدن است و تولید نفت ما کاهش می یابد. نکته ای را عرض کنم اینکه تولید نفت ما که در حال کم شدن است از مسائل اساسی اقتصاد ما است. یکی از جاهایی که تحریم ها اثر کرده است همین است، یعنی تحریم های نفتی یکی از لطمه های اساسی که به ما وارد کرده است، این است که اجازه نداده است که ظرفیت تولید ما افزایش یابد. چاه های نفتی ما نیمی از



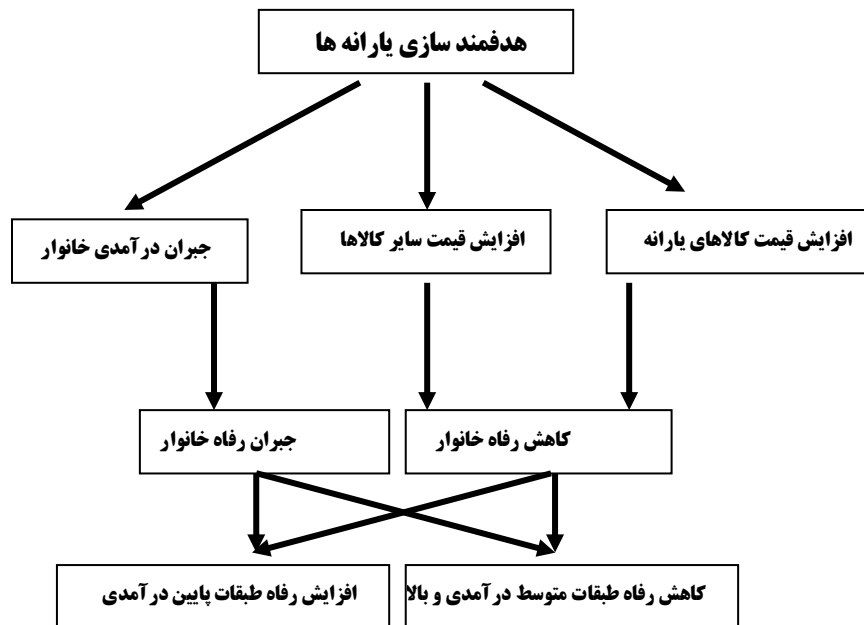
عمر خود را طی کرده اند. یعنی در حال عبور از نیمه عمر خود هستند. ما دائما این ها را احیا می کنیم. اگر با همین ظرفیت تولید ادامه دهیم پیش بینی ها این است که در ۱۴۰۳ این به جایی می رسد که ما همه آنچه را که استخراج می کنیم خودمان مصرف می نماییم. البته پیش بینی به این منزله نیست که حتما اتفاق می افتد اما به هر حال مدل هایی هستند که پیش بینی می کنند.

به نظرم تا به حال مشکل را معرفی نموده ایم. گفته شده است که این مشکل باید حل شود. اسناد راهبردی مان، مثل سند چشم انداز، سخنان حضرت امام(ره)، قانون اساسی، فرمایشات مقام معظم رهبری، سیاست های برنامه پنجم همگی حرفشان این است که این مشکل حل شود. البته اگر ما بتوانیم این مشکل را حل کنیم آثار بلندمدت آن بسیار زیاد است. از اتلاف منابع جلوگیری می کنیم، عدالت را می توانیم تأمین کنیم. فرهنگ مصرف ما اصلاح خواهد شد، فعالیت هایمان شفاف می شود. ما الآن چیزهایی که تولید می کنیم نمی دانیم در عرصه جهانی چقدرش اقتصادی است و چقدرش اقتصادی نیست. سالم سازی محیط زیست که اتفاق می افتد. اما بجز از این آثار بلندمدت به مانند هر طرح درمانی یک پیامدهای کوتاه مدت هم دارد. شما تصور کنید بخواهید مغز یک مریض را جراحی کنید. تازه اگر یک جراح خوب عمل کند که حاذق باشد، غده را درست بردارد، چیزی را جا نگذارد، این مریض که از اتاق می خواهد بیرون بیاید، آدمی است که فعلا مشکلاتی دارد، باید تحت ریکاوری قرار گیرد، فیزیوتراپی کند، شیمی درمانی کند، و... پس اگر این جراحی خوب هم انجام شود، باز تا بهبودی کامل زمان می برد. لذا این پیامدها وجود دارند. خیلی هم نمیشود کاری کرد و ما باید آن را مدیریت کنیم.

در بررسی پیامدهای کوتاه مدت اقتصاد به چهار دسته تقسیم می شود. یک دسته آن خانوار (یعنی اقشار مصرف کننده)، یک بخش بنگاه (یعنی اقشار تولید کننده)، یک بخش عمومی (یعنی مجموعه دولت) و یک بخش خارجی (شامل صادرات و واردات). اکنون پیامدهای هدفمند سازی یارانه ها را در این چهار بخش جداگانه بررسی می کنیم.

در اقتصاد خانوار پیامدها را در نمودار زیر ملاحظه می کنیم. همان طور که ملاحظه می شود زمانی که یارانه ها هدفمند می شوند قیمت کالای یارانه ای بالا می رود. این باعث می شود که به تورم دامن زده شده و قیمت سایر کالاها هم بالا رود. نتیجه هر دوی این ها؛ آن کارشناسان اینجای بحث هستند؛ اما در طرحی که دولت به خانواده ها یک پرداختی داشته باشد آن درآمد یک مقدار آن رفاه از دست رفته را جبران می کند. برآورد ها نشان می دهد که طبقات متوسط درآمدی به بالا معمولا به طور خالص با کاهش رفاه مواجه خواهند شد. برای طبقات خیلی پایین

افزایش رفاه خواهیم داشت. زیرا پرداختی که به آنها می شود با توجه به درآمدی که الآن دارند و اینکه از انرژی ها زیاد مصرف نمی کنند می توانند با صرفه جویی که می کنند یک افزایش رفاهی را تجربه کنند.



البته نکته مهمی که برآوردها نشان می دهد این است که برحسب اینکه چند درصد تورم اتفاق می افتد درصد خانواده هایی که زیان رفاه پیدا خواهند کرد به شدت تغییر می کند. اگر ۳۰ درصد تورم داشته باشیم، ۵۰ درصد خانواده ها کاهش رفاه دارند. اگر ۳۵ درصد تورم داشته باشیم به یکباره این ۵۰ درصد به ۷۰ درصد تبدیل می شود. یعنی این کاهش رفاهی که خانوارها خواهند داشت به شدت به نرخ تورم حساس است. و این به خیلی از چیزها بستگی دارد. بخشی

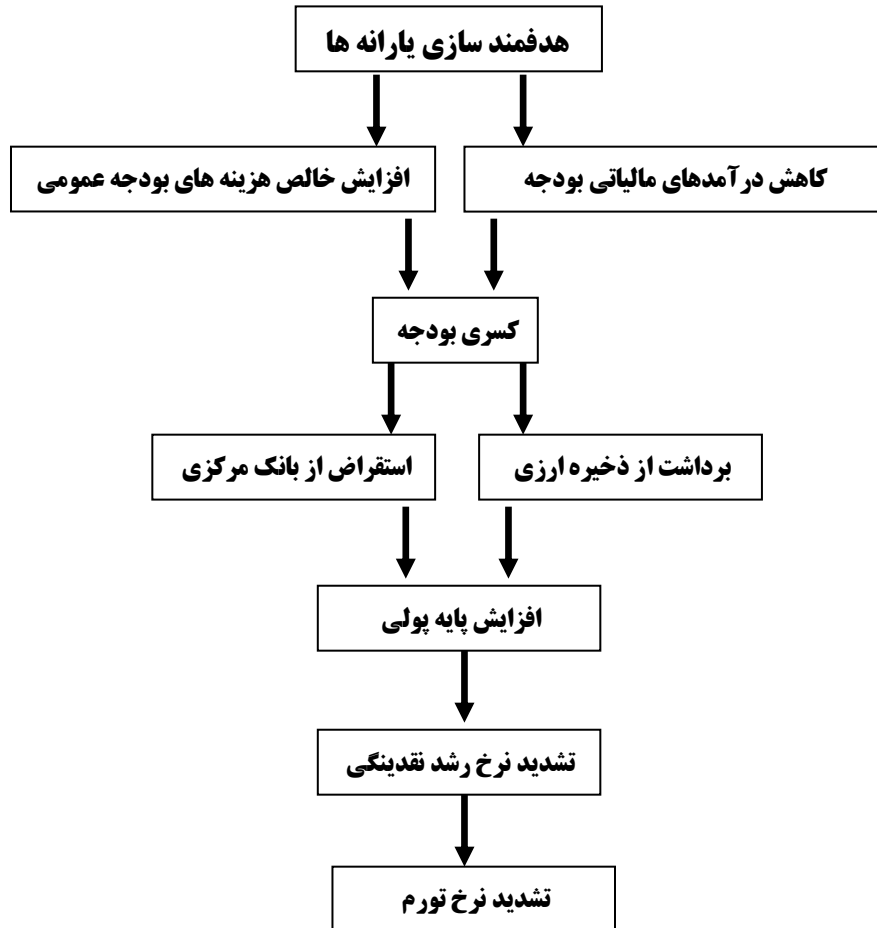
از آن مدیریت است و بخشی از آن تابع وضعیت روانی جامعه است. این ها پیامدهایی است که اتفاق خواهد افتاد.

در موضوع بنگاه های تولیدی چه پیامدهایی خواهیم داشت ؟



در بخش بنگاه هزینه های مستقیم افزایش پیدا می کند، هزینه های غیرمستقیم هم افزایش پیدا می کند، این باعث می شود که قیمت های کالا افزایش یابد، باعث می شود که تقاضا برای محصولات داخلی کم شود، کاهش فروش بنگاه، کاهش تقاضای بنگاه برای نیروی کار و افزایش نرخ بیکاری. یعنی بنگاه هایی که همین حالا هم بسیاری از آنها به دلایل مختلف زیر

ظرفیت کار می کنند، اگر ظرفیت تولید بازهم پایین تر رود سبب تشدید نرخ بیکاری می شود. در بخش عمومی یعنی دولت چه اتفاقی می افتد؟

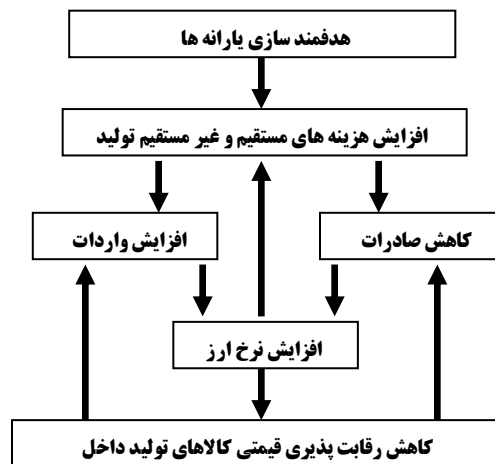


درآمدهای دولت، درآمدهای مالیاتی اش، کاهش پیدا می کند. دلیل اصلی اش این است که بنگاه هایی که قرار است مالیات دهند، زمانی که فروششان کم شود، پرداخت های مالیاتشان هم پایین می آید. درآمد مالیاتی احتمالاً کاهش خواهد یافت. از طرف دیگر یک افزایش فاحشی در هزینه های بودجه عمومی داریم. از دو جهت این اتفاق می افتد. در بودجه عمومی یک بعد منابع داریم و یک بعد مصارف. در منابع ما یکسری افزایش ها خواهیم داشت. برای مثال، درآمد فروش حامل های انرژی در داخل افزایش می یابد مثلاً دولت بنزین را گران تر می فروشد. از طرف دیگر هزینه واردات سوخت هم کاهش می یابد. این هم یک آزاد شدن منابع است. مثلاً الان ۶ میلیارد از جیب خودش برای وارد کردن سوخت هزینه می کند. آن را می خواهد از مردم

بگیرد. از این دو جهت به نفع دولت می شود. ولی از جهت دیگری الان دستمزد و حقوق که به کارکنان می دهد حدود ۴۸ درصد بودجه عمومی است. این افزایش پیدا خواهد کرد. اگر یادتان باشد ما الان قانون خدمات کشوری را نیز داریم که باید حقوق ها افزایش یابد. این ها مجبورند که به خاطر تورمی که اتفاق می افتد آن را افزایش دهند. هزینه حقوق افزایش پیدا می کند. هزینه های عمرانی دولت نیز به علت بالا رفتن هزینه های کلی کشور هم به طور مستقیم و هم به طور غیر مستقیم افزایش می یابد. در کل دولت بیشتر با افزایش هزینه روبه رو خواهد بود تا افزایش درآمد. یعنی اگر این دو را کنار هم بگذاریم باید پیش بینی کنیم که کسری بودجه هم اتفاق بیفتد. یک نکته را خدمت شما عرض کنم، آنجایی که گفتم در محاسبه یارانه ها اشتباه انجام شده است، می گویند که ۱۰۰ میلیارد دلار یارانه انرژی که توزیع می شود، اولاً صد میلیارد نیست، دلیلش هم به محاسبات باز می گردد. این ها در محاسباتی که انجام می دهند همه انواع انرژی را معادل بشکه نفت خام تبدیل می نمایند و سپس در قیمت بشکه نفت خام ضرب می نمایند. در حالیکه برای چیزی مثل گاز طبیعی این محاسبه اشتباه است. زیرا گاز طبیعی به گونه ای نیست که اگر مصرفش نکردید بتوانید آن را صادر کنید، یعنی *none-tradable* است یعنی غیرقابل صدور و غیر تجاری است. اینگونه نیست که بتوان آن را در بشکه ریخت و صادر کرد. به همین دلیل گاز قیمت محلی دارد و فاقد قیمت جهانی است. اینکه در اروپا چگونه است، در خلیج فارس و یا در امریکا چگونه است، تنها در محل خودش تعریف می شود. به همین دلیل در قانون هدفمند کردن یارانه ها به درستی ذکر شده است که گاز را به قیمت صادراتمان حساب کنیم. یعنی همان قیمتی که گاز را به ترکیه مثلاً می دهیم محاسبه نمایم نه قیمت جهانی. اما در بقیه موارد قیمت خلیج فارس ملاک است. گاز قیمت خلیج فارس ندارد و قیمت صدور به همسایه ها مهم است. یک خطا در اینجا اتفاق افتاده است که این ها قیمت ها را که براساس بشکه نفت خام تخمین می زنند و ضربدر قیمت بشکه نفت خام می کنند ۱۰۰ میلیارد می شود. نه، صد میلیارد نیست، فرض کنید که ۱۰۰ میلیارد هم باشد، معنی این ۱۰۰ میلیارد این نیست که این منابع قابل حصول است. نکته دوم این است که منابع این نیست که اگر شما اراده کردید بتوانید آن ها را نقد کنید. بخشی از آن ناکارآمدی سیستم هاست که هدر می رود. مثلاً در توزیع برق و آب، و یا ناکارآمدی سوختی که در خودروهائیمان داریم، ناکارآمدی های زیادی که داریم، لذا بخشی از این ها اتلاف منابع است. بنا بر این اگر ما فکر می کنیم منابع زیادی را می توان از این هدفمند کردن آزاد کرد، این اشتباه است. تصور نمایید که در شش

ماهه دوم دولت بخواهد نفری ۴۰ هزار تومان بدهد، بالاخره می خواهیم به ۵۰ میلیون نفر پول بدهیم، در ماه ۲ میلیارد دلار می شود، در شش ماه ۱۲ میلیارد دلار. اگر یکسال بشود می شود ۲۴ میلیارد دلار. اگر کل یارانه اقتصادمان را آزاد کنیم از این بیشترینست. این درحالی است که شما ۵۰ درصد یارانه ها را می خواهید به خانوارها پول بدهید. یعنی شما باید ۴۸ میلیارد دلار درآمدت باشد تا بگوییم در قانون هدفمند کردن ۵۰ درصد آن به خانواده ها پرداخت می شود و ۵۰ درصد آن مربوط به بنگاه ها و دولت است. اصلاً چنین منابعی وجود ندارد. شما این را هزینه می کنید. از طرف دیگر انتظار نداشته باشید که تمام آن را وصول کنید. این خود منشأ کسری بودجه است. که تبعات خود را مطابق نمودار دارد.

در بخش بازرگانی خارجی نیز رقابت پذیری قیمتی کالاهای ما کاهش می یابد، باعث می شود که صادرات ما کاهش یافته و واردات افزایش یابد که همین حالا نیز مشکل کسری تراز تجاری را داریم. واردات غیرنفتی ما به شدت زیاد و کسری تراز خارجی غیر نفتی ما نزدیک به ۴۰ میلیارد دلار است. مجموع این موارد بر نرخ ارز فشار می آورد. در نتیجه ما افزایش نرخ ارز خواهیم داشت.



یک نکته را هم راجع به پرداخت نقدی عرض کنم. این پرداخت های نقدی در بهترین حالت خود مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت، اولاً اینکه انتظارات ویژه ای از آن وجود دارد که نمی توان این انتظارات را برآورده کرد. برخی افراد از این پول سهمی نمی گیرند که ایجاد نارضایتی می کند، برخی کمتر می گیرند و برخی بیشتر می گیرند که ایجاد نارضایتی می کند، برخی از مردم سندسازی کرده اند که این پول را بگیرند؛ کسانی که اطلاعاتشان را صادقانه داده اند ضرر

می کنند و بعد اینکه چندسال می خواهیم اینگونه ادامه بدهیم؟ زمانی که مردم به این درآمد عادت کردند چگونه می خواهید آن را قطع کنید؟ در انگلستان ظاهراً تاجر یا دولت قبل از تاجر یک مستمری گذاشته بود که دولت های بعدی نمی توانستند آن را حذف کنند. مردم را به این درآمد عادت دادن، ایجاد وابستگی مردم به دولت و بعد دامن زدن به تورم و ذوب شدن همین پرداخت ها که در قدرت خریدشان بی اثر می شود و این موجب کاهش مشارکت مردم در تأمین اهداف اصلی دولت در هدفمند سازی یارانه ها خواهد شد. مانند این که الان همه فکر و ذکر ما این شده است که به چه کسی باید چه قدر پول بدهیم. ملت در صف هستند که پول را بگیرند، بانک ها در صف هستند که برای چه کسی حساب باز کنند.

ما برای اینکه زیاد نقدانه حرف نزنه باشیم چند پیشنهاد به نظرمان می رسد که هنوز هم مجال برای تجدید نظر وجود دارد، گرچه این قانون شده است. قانون هم باید اجرا شود. اما هر قانونی قابل اصلاح است. یکی به نظرمان می آید که ما باید پرداخت نقدی را به خانواده های تحت پوشش محدود کنیم. یعنی کمیته امدادی ها و بهزیستی ها، این ها تعدادشان کم است و اگر یک بانک اطلاعات مشترک ایجاد شود راحت شناسایی می شوند. هزینه انجام این کار فوق العاده پایین و مقبولیت اجتماعی آن فوق العاده بالاست. دوم اینکه الگوی مصرف را تعریف کنیم و به کسانی که رعایت می کنند یارانه دهیم و از کسانی که رعایت نمی کنند عوارض به صورت تصاعدی بگیریم. بعد هم حمایت های موضوعی هدفمند انجام دهیم. در مورد هدفمندی یارانه ها مشخص نکردیم که کدام اهداف قرار است تأمین شود. در قانون هدفمندی یارانه ها تعریف نکرده اند که هدفمندی به چه معناست. اما دو هدف اساسی وجود دارد: عدالت و کارآیی. عدالت که مشخص است و کارآیی هم این است که جلوی اتلاف منابع را بگیریم. ما باید برای تولید کننده ها و مصرف کننده ها حمایت های موضوعی تعریف کنیم. مثلاً تأمین اجتماعی. این مشخص است. مثلاً بحث های درمانی، بحث های بیکاری، برای بنگاه ها مثلاً مشکلات مالی شان. این یارانه را باید برای به تولید بدهیم، این یارانه را باید به نیاز واقعی مصرف کننده اختصاص دهیم، یعنی کسی که به بیمارستان رفت و جراحی کرد، بگوییم که برای درمانی که کرده اید لازم نیست هزینه بدهید. کسی که بی دلیل جراحی نمی کند، این هدفمند است. هم عدالت تأمین می شود و هم کارآیی. زمانی که قیمت ها منطقی می شود همه چیز سر جای خودش قرار گرفته است و انشاءالله اهداف تأمین شده است.

والسلام